



تحلیل عوامل اثرگذار بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی پیراشهری مورد: سکونتگاه‌های دهستان معجزات شهرستان زنجان

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۷

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۱۶

صفحات: ۱۰۵-۱۲۶

بهروز محمدی یگانه؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

جمشید عینالی؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

پریسا منبری؛ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل مؤلفه‌های مسکن معیشت محور و عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت-محور است. نوع تحقیق کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی شامل (مشاهده و پرسشنامه، مصاحبه)، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی (میانگین و توزیع فراوانی) و استنباطی (آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون کروسکال والیس، آزمون ضریب همبستگی و معادلات ساختاری) انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل خانوارهای دهستان معجزات استان زنجان است. با استفاده از فرمول کوکران ۲۷۳ خانوار و در ۵ روستا به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری در سطح روستاها جهت انتخاب خانوارها به صورت تصادفی ساده بوده، و برای سنجش پایایی شاخص‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقادیر آن ۰٫۷۰ درصد به دست آمد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، براساس آزمون T تک نمونه‌ای، مسکن معیشت محور روستایی در ابعاد معیشتی-تولیدی، تدارکات، زیستی، اجتماعی-فرهنگی پایین‌تر از میانگین عددی برآورد شده است. همچنین یافته‌های معادلات ساختاری نشان می‌دهد، بین عوامل اقتصادی و مسکن معیشت محور با مقدار رگرسیون ۰/۷۱۵ رابطه وجود دارد. براساس یافته‌های معادلات ساختاری ویژگی‌های مسکن معیشت محور روستایی در ابعاد معیشتی-تولیدی، تدارکات، زیستی، اجتماعی-فرهنگی به ترتیب مبین پایین بودن سطح الگوی مسکن به صورت معیشت محور است و نتایج بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در تحولات مسکن روستاهای مورد مطالعه نشان داد چهار بعد درآمد، اشتغال، دارایی، هزینه مسکن در شرایط نامطلوب قرار دارند. یافته‌های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد با افزایش بهبود شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی تمایل به ساخت مسکن معیشت محور نیز افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی:

مسکن روستایی،
اقتصاد روستایی،
معیشت، نواحی
پیراشهری، شهرستان
زنجان



سکونتگاه‌های انسانی تحت تأثیر عوامل و نیروهای مختلف همواره در حال تغییر و تحول بوده‌اند (سعیدی، ۱۳۹۱، نظریان، ۱۳۸۶، یاری، ۱۳۹۰: ۳۷). در بین عناصر تشکیل دهنده بافت سکونتگاه‌های روستایی، مسکن به عنوان اصلی ترین عنصر کالبدی فضا پیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با ماهیتی چند کارکردی (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹، Tognoli، ۱۹۸۷، زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: Erdinc؛ ۲۰۰۹؛ روح‌الامینی، ۱۳۷۰) که سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط و چگونگی تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۷، روح‌الامینی، ۱۳۷۰) و به نحوی آشکار بازتاب روابط کالبدی- فضایی و مناسبات اجتماعی- اقتصادی و نیز تأثیرات فرهنگی در گذشته، حال و روند آتی آن به شمار می‌رود (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹). انسجام کالبدی سکونتگاه‌های انسانی به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن ساختار محله، جزء محله و واحد مسکونی از ویژگی‌های ساختاری جامعه تبعیت می‌کند (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۵). جوامع روستایی به ویژه در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعدد اجتماعی- اقتصادی از قبیل فقر، درآمد پایین، سوء تغذیه، بیکاری، شکل‌گیری اندک سرمایه، مهاجرت‌های گسترده روستا- شهری، نارسایی امکانات بهداشتی و درمانی و وضعیت نامناسب کمی و کیفی مسکن مواجه است؛ به طوری که دامنه تأثیرگذاری برخی از این چالش‌ها تا حدی است که نه تنها مناطق روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه اثرات و پیامدهای آن می‌تواند شهرهای کوچک و بزرگ را نیز متأثر ساخته و به بروز معضلاتی در این مناطق منجر شود (مطیعی لنگرودی و بخشی، ۱۳۸۹). از دیدگاه صاحب نظران این چالش‌ها عمدتاً با شرایط اقتصادی- اجتماعی جامعه و فقدان نظام و مکانیزم‌های اقتصادی و اجتماعی کارآمد در ارتباط است (سعیدی، ۱۳۸۵).

یکی از عناصر مهم در فضای روستاها مقوله مسکن است (Haji Ebrahim, Zargar, 2006) که به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش، طی سالیان متمادی بر حسب شرایط زمانی- مکانی (به ویژه تاریخ، فرهنگ و مبانی اقتصادی، ایدئولوژیکی سازندگان آن) در هر منطقه شکل گرفته است (Hosseini, 2001) مسکن به خودی خود به مثابه ویرینی منعکس کننده نوع فعالیت‌ها در ابعاد اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی و نوع بینش روستاییان و نحوه ورود و تأثیرگذاری تکنولوژی بر زندگی آن‌ها و در نهایت، نشان‌دهنده میزان درآمد و نوع معیشت ساکنان آن است.

مسکن روستایی تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی، معیشتی و در نهایت نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی- اقتصادی تأثیرگذار در شکل بخشی به آن‌هاست (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۴). آسایش خانواده و فراهم آمدن امکان ارتباط و تعامل مناسب اعضای خانواده با یکدیگر و حتی با سایر نزدیکان، نیازمند مسکن است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴).

مسکن روستایی به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش، نشان‌دهنده نوع فعالیت‌ها در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی- فرهنگی روستاییان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن است (حسینی ابری، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی است که برای فراهم کردن شرایط مناسب زیست، زندگی و معیشت برپا شده است (مهدیان و سرتیپی پور، ۱۳۹۲). شیوه‌های معیشتی و زیستی گوناگون مانند شیوه‌های دامپروری، کشاورزی و صنعتی هر کدام نظام مسکونی

خاص خود را به وجود آورده اند. تفاوت مسکن روستا و شهر نیز ناشی از نظام‌های اقتصادی و اجتماعی خاص حاکم بر آن‌هاست (صفوی و ابوذر، ۱۳۹۲). سکونت و کار در زندگی روستایی بر خلاف زندگی شهری زمان‌های متداخلی دارند و به همین دلیل فضاهای سکونت و کار، نیز تداخل دارند (نیک خلق، ۱۳۸۲).

در نظام زندگی روستایی علاوه بر تداخل کار و معیشت و سکونت، کارکرد سکونت و تولیدی نیز دارای تداخل است این فرایند باعث می‌شود محیط مسکن علاوه بر سکونت، انبار محصولات و وسایل، آغل دام، محل نگهداری ادوات و ماشین آلات کشاورزی و تولید صنایع دستی و خانگی نیز است به هر حال خصلت‌های تولیدی و معیشتی مسکن، قسمتی از ساختار مسکن روستایی است که به آن وجه اقتصادی می‌دهد (عینالی و همکاران، ۱۳۹۴). با عنایت به پیوستگی ساختاری - کارکردی نظام‌های مکانی - فضایی، می‌توان انتظار داشت تغییر و دگرگونی در یک جزء از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام، بر پایه ارتباط نظام‌وار، ممکن است به سایر اجزای نظام انتقال یافته و زمینه تغییر و دگرگونی کل نظام را فراهم آورد (سعیدی، ۱۳۹۱). از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که طی سال‌های اخیر طی تحولات مرتبط با مسکن دچار تغییر شده است، مؤلفه‌های معیشت محور مسکن در نواحی روستایی است، تغییر از مسکن معیشت - محور به مسکن روستایی که صرفاً دارای کارکرد سکونتی است، دارای اثرات منفی بر روی اقتصاد روستایی است.

طراحی و اجرای سیاست‌های جامع توسعه روستایی اساس توانمندسازی و بهبود پایدار معیشت خانوارهای روستایی است (Walelign et al, 2016). عواملی مانند فرایندهای شهرنشینی و صنعتی شدن منجر به ایجاد تغییرات وسیعی در معیشت این مناطق شد (Liu and Liu, 2016). در دهه ی ۱۹۸۰ رویکرد معیشت پایدار پیشنهاد گردید (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۴). این رویکرد یک چارچوب وسیعی برای ارزیابی ابعاد مختلف پایداری پیشنهاد نمود (Smith et al, 2013). یکی از ابعاد مهم این رویکرد، موضوع تغییر معیشت است. با وجود تحقیقات فراوان صورت گرفته، هنوز هم عوامل مؤثر بر تغییر الگوی معیشت خانوارهای روستایی ناشناخته باقی مانده است.

اساس توسعه انسانی و توسعه اقتصادی بر معیشت استوار است. معیشت چیزی بیشتر از شغل است. معیشت شامل همه کارهایی است که افراد انجام می‌دهند تا گذران زندگی کنند.

تأمین مسکن یکی از مسائل مهم کشور و به عنوان یک ضرورت در جامعه قابل توجه و بااهمیت است. و در برنامه‌ریزی ملی، دارای اولویت است (احمدی، ۱۳۸۹). لذا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۳۱ و ۳۴) نیز به عنوان یک ضرورت به آن توجه گردیده و دولت مکلف شده تا شرایط مناسب در زمینه تأمین مسکن مناسب برای همه اقشار جامعه را فراهم نماید. بخش مسکن در جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از بخش‌های حساس، مسئله ساز و پر سروصدا بوده است (وارثی و سقایی، ۱۳۸۴).

در منطقه مورد مطالعه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی - اقتصادی هر خانواده، مسکن معیشت محور است که نقش مهمی در تأمین آسایش و امنیت و وضعیت اقتصادی هر خانواده دارد. وجود مسکن معیشت محور باعث تقویت ابزارهای تولیدی و حفظ دانش بومی در نواحی روستایی می‌شود. مسکن روستایی به عنوان عنصری مادی و فرهنگی، در سال‌های اخیر تغییرات وسیعی داشته است. این عنصر فرهنگی علاوه بر نقش سکونت، بخشی از فضای اشتغال، تولید و انبار ملزومات زندگی نیز به شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر، تغییرات شگرفی در ساختار و کارکرد مسکن روستایی پدید آمده است؛ به طوری که کارکرد مسکن که در ارتباط با معیشت و فعالیت اقتصادی

خانواده بوده، از بین رفته است و پاسخگوی نیاز جامعه روستایی نیست. بر این اساس عوامل متعددی بر مسکن معیشت محور در نواحی روستایی تأثیرگذار می‌باشند که شناخت و تحلیل آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های آتی مسکن روستایی مفید و مؤثر خواهد بود.

اهتمام به توسعه کالبدی و رفع نیاز روستاها متناسب با ضرورت‌های زندگی امروز و تأمین مسکن و محیط مناسب در روستاها امری اجتناب ناپذیر است. نیاز گسترده و روزافزون جامعه روستایی به مسکن مستلزم شناخت و بررسی مسکن و ویژگی‌های کمی و کیفی آن و شناخت عوامل مؤثر بر تحولات الگوی مسکن است. مسکن به‌عنوان عمده‌ترین جزء از اجزای بافت کالبدی روستا است که در گذر زمان و هماهنگی با دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و گسترش امکانات و فناوری با تحول همراه بوده است. امروزه الگوی مسکن در روستاها دچار تغییر و تحولاتی شده که متناسب با کارکرد و معیشت روستاییان نیست و موجب نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و برهم ریختگی فضایی شده است. این تغییرات در شکل، طراحی، مصالح و دانش ساخت‌وساز مسکن است و باعث شده که مسکن روستایی جدید با الگوهای سنتی و بومی تفاوت بسیاری داشته و بیش از آنکه روستایی باشد مشابه الگوهای مسکن شهری گردد. عوامل زیادی در تحولات الگوی مسکن معیشت محور روستایی مؤثر می‌باشند، یکی از این عوامل، اقتصادی - اجتماعی است که بر کیفیت ساخت و مصالح به کار گرفته‌شده تأثیر می‌گذارد. براساس مباحث مذکور، هدف اصلی تحقیق کنکاش و بررسی روابط بین شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و مسکن معیشت محور است.

در زمینه مسکن معیشت محور روستایی مطالعاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است.

گودین^۱ در سال (۲۰۱۶) به بررسی ارائه مسکن کم درآمد در موریس: بهبود عدالت اجتماعی و کیفیت مکان پرداخت و نتایج نشان داد برنامه‌ریزی و فرآیندهای راهبردی جهت ارائه مسکن به افراد کم درآمد همراه با مشارکت آنان نتایج مناسبی به دنبال دارد. مشارکت مردمی همراه با حمایت‌های دولت منجر به راه‌حل‌های توسعه مسکن پایدار می‌شود. از این رو مشارکت ساکنین همراه با رویکرد برنامه‌ریزی مشترک می‌تواند به عدالت اجتماعی و مکان با کیفیت‌تر منجر شود و جامعه به نوبه خود پایدارتر می‌شود (نیکپور، ۱۳۹۶). لامیا فردوس^۲ و همکاران در سال (۲۰۱۷)، به بررسی " تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در مسکن روستایی و الگوی حل و فصل در جهشی، بنگلادش " پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش شرایط مسکن جدید در بنگلادش را از لحاظ ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی در منطقه روستایی را نشان می‌دهد. که دلایل اصلی تغییر در الگوی ساخت مسکن جدید را عوامل مؤثر بر وضعیت مسکن و دلیل تغییر شرایط، معرفی کرده است که این دلایل تغییر شرایط عبارتند از: کاهش مساحت زمین، تغییر و افزایش درآمد از طریق فعالیت غیر از کشاورزی و میزان مهاجرت، تغییر در سبک زندگی و هسته‌های خانواده مشترک و کم شدن اعضای خانواده از ۵ نفر به ۳ نفر (hsj) (مهدی نژاد و اسدپور، ۱۳۹۷). جین سو جنونگ^۳ و همکاران در سال (۲۰۱۷)، به شناسایی مناطق اولویت برای توسعه مسکن روستایی با استفاده از مشارکت چند معیار و روش‌های ارزیابی مشروط در منطقه مخزن آلاژ، مرکز اکستادورا مرکزی (اسپانیا) پرداخته‌اند و نتایج نشان می‌دهد که استفاده از روش ارزیابی مشروط مشارکتی برای دید آب اولویت‌دار ادغام مسکن پایدار روستایی را بهبود و فعالیت‌های گردشگری را گسترش و

1- Goodin

2- Lamia Ferdous et all

3-Jin Su Jeong et all

حفاظت از محیط را تعادل می‌بخشد. نیک گالنت و همکاران^۴ در سال (۲۰۱۹)، با بررسی "اولویت‌بندی نیازهای مسکن محلی از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی در مناطق روستایی: تئاتر سیاسی یا حفاظت از امکانات؟" به این نتیجه رسیده‌اند که به طور کلی کاهش در خانه‌سازی (ناشی از کوچک شدن بازار صاحبان خانه واجد شرایط) و تغییر تقاضا توسط سرمایه‌گذاران از خانه‌های جدید دست دوم بازار می‌تواند قیمت خانه را بالا ببرد و قیمت کلی مسکن را کاهش دهد. قاسمی‌سیانی و همکاران در سال (۱۳۹۷)، به تبیین تحولات ساختاری - کارکردی سکونت و مسکن روستایی مطالعه موردی: بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان پرداخته‌اند و نتایج پژوهش بیانگر آن است که در اثر نفوذ فرهنگ شهری، بهبود سرمایه انسانی، تسلط الگوی فضا‌بندی زیستی و رفاه‌طلبی، شیوه سکونت در مناطق روستایی تغییر یافته و به شیوه شبه شهری تبدیل شده است که شیوه سکونت در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و کالبدی در نواحی روستایی ظاهر شده است (قاسمی‌سیانی و همکاران، ۱۳۹۷). پورطاهری و همکاران در سال (۱۳۹۷)، به بررسی تغییرات مسکن روستایی استان مازندران پرداخته‌اند، که نتایج نشان داد که تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، تغییراتی در مسکن روستایی از جمله تغییر در فضای اختصاصی دام، انبارعلوفه، محل پخت نان، محل ذخیره سوخت فسیلی، فضای آشپزخانه، فضای اختصاصی خواب و پذیرایی و ایوان به وجود می‌آورد. این تغییرات به دنبال توسعه کالبدی و خدماتی روستاها و تحت تأثیر فرهنگ شهری در روستاها به وقوع پیوسته و در نهایت به تغییر کارکرد اقتصادی و اجتماعی مسکن منجر شده است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۵). اسلامی و همکاران در سال (۱۳۹۸)، با بررسی "تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت‌محور در نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان" به این نتیجه رسیده‌اند که کارکرد مسکن در سکونتگاه‌های روستایی به سمت «خوابگاهی» در حال تحول می‌باشد که این روند که متأثر از جایگاه ضعیف اقتصاد روستایی است درآیند باعث کاهش سطح تولیدات خواهد شد (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸). معیشت به «معنای زندگی و زنده بودن، توانایی‌ها، دارایی‌ها و فعالیت‌هایی است که برای زندگی و زنده بودن موردنیاز است» (Chambers, 2005:5). معیشت نهادهای اجتماعی، روابط فراخانواری و سازوکارهای دسترسی به منابع در طول دوره زندگی را نیز دربرمی‌گیرد (جمعه پور، ۱۳۹۰: ۴۰). «معیشت چیزی بیشتر از شغل است. معیشت شامل همه کارهایی است که افراد انجام می‌دهند تا گذران زندگی کنند» (Helmor & Sing, 2001:45). در شکل‌گیری هر الگوی معیشت، شیوه‌ی ترکیب انواع مختلف سرمایه و منابع معیشتی بسیار مهم است؛ زیرا توانایی پیگیری راهبردهای مختلف معیشت روستایی وابسته به پایه‌های اجتماعی و مادی، دارایی و سرمایه‌های ملموس و غیرملموسی است که در حیطه‌ی تسلط و مالکیت روستاییان است (Ellis, Carney, 1998:42; Scoones, 1998:7-8). امروزه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های برنامه‌ریزی جوامع روستایی تأمین معیشت است (Chambers & Conway, 1992). یکی از عوامل مؤثر جهت تحقق معیشت در نواحی روستایی دارا بودن مسکن معیشت‌محور در این نواحی است که از دیرباز نقشی اساسی در تأمین نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستائیان داشته است. مسکن در لغت نامه دهخدا به معنای «جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکون و مقام و جای آرام است (دهخدا، ۱۳۷۳) و واحد مسکونی و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت دارد (مرکز آمارایران، ۱۳۷۵)، به عبارت دیگر مسکن کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستی انسان را شامل می‌شود (

4- Nick Gallent et all

پورمحمدی، ۱۳۸۵). و در عین حال عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان است و نقش تعیین کننده‌ای دارد (Short, 2006).

مسکن روستایی در جوامع بشری پاسخگوی یکی از نیازهای حیاتی است (Manoj P K: ۲۰۱۰ و سرتیپی پور، ۱۳۸۸ و زنجانی، ۱۳۷۱ و تولون، ۱۳۷۴) و مفهومی فراتر از سرپناه دارد (Domański, 2008; Napp, ۱۹۸۲ و مخبر، ۱۳۶۳) و به عنوان شاخص مهم توسعه دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، معیشتی، فرهنگی است (سرتیپی پور ۱۳۸۶ و قنبری، ۱۳۸۷) و از جنبه‌های مختلف با مسکن شهری متفاوت بوده و دارای طیف گسترده‌ای از کارکردهای گوناگون هستند (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹).

اجزای مسکن سنتی روستایی شامل درب ورودی، حیاط، محل نگهداری دام، انبار علوفه و محصولات کشاورزی، انبار ادوات کشاورزی، ایوان، اتاق خواب، اتاق قالی بافی، هال پذیرایی، آشپزخانه، سرویس بهداشتی... است که طی سال‌های اخیر به دلایلی چون تغییر شغل روستاییان، وقوع خشکسالی و مهاجرت‌های بی رویه اجزای سنتی که معیشت-محور بودند تغییر کارکرد داده‌اند و جای خود را به اجزای نوین که بیشتر جنبه تزئینی دارند داده‌اند.

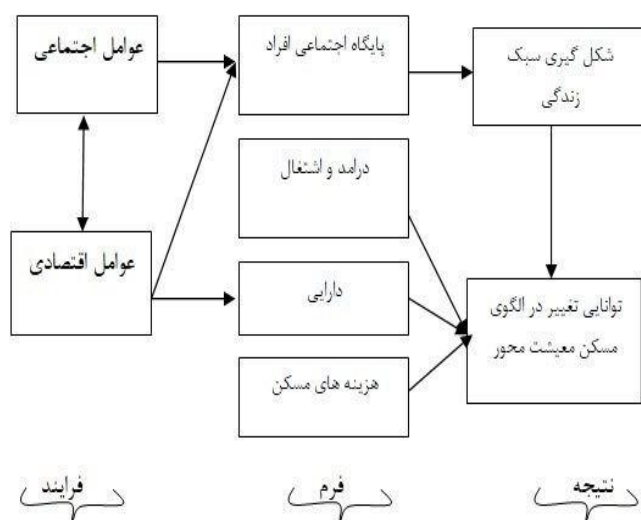
مسکن معیشت محور به مسکنی گفته می‌شود که اجزای آن علاوه بر دارا بودن کارکرد خوابگاهی در تأمین بخش عمده ای از معیشت و اقتصاد خانواده‌های روستایی نقش داشته باشد (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸). به طور کلی کارکردهای مختلف مسکن روستایی در بعد معیشت به ۴ دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- کارکرد زیستی: شامل فضایی است برای زیست، استراحت و خواب ساکنین و یا مستقیماً به این فعالیت‌ها مربوط می‌شود (بدری و موسوی، ۱۳۸۹). ۲- کارکرد اقتصادی (معیشتی- تولیدی): فضاهای کارگاهی و تدارکاتی روستایی است (نبردی، ۱۳۷۶). ۳- کارکردهای تدارکاتی: خدماتی مانند پخت و پز، آماده‌سازی مواد غذایی، ساخت یا تعمیر ابزار آلات برای فعالیت‌های تولیدی و... ۴- کارکرد فرهنگی- اجتماعی: یکی دیگر از کارکردهای اصلی مسکن، فراهم آوردن شرایط مطلوب برای خانواده (Westaway, ۲۰۰۶؛ هدایت نژاد، ۱۳۷۵؛ Domanski, 2008) به منظور تحقق فعالیت‌های خانوادگی است. که هر یک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹). مهم‌ترین عوامل مؤثر در تیپ‌بندی و شکل‌دهی مسکن روستایی را می‌توان در چهارمقوله (شکل زمین‌شناختی، اقتصاد معیشتی، عوامل اقلیمی، و موقعیت اجتماعی و فرهنگی ساکنان) خلاصه کرد (ظاهری و همکاران، ۱۳۹۶). عوامل جغرافیایی مانند شکل زمین‌شناختی، شرایط اقلیمی (Iranmanesh, 2010)، موقعیت، جایگاه مکانی - فضایی، نحوه تعامل (رضوانی، ۱۳۸۲ و یاری، ۱۳۹۰) می‌باشد. از دیگر عوامل مؤثر می‌توان به عوامل اقتصاد معیشتی که شامل نوع شغل (Hashemnejad, 2008) میزان درآمد خانوارهای روستایی، انبار محصولات تولید شده، محل نگهداری دام، فرآوری محصولات تولید کشاورزی (قنبری، ۱۳۸۷)، ارتباط اقتصادی با جوامع شهری (شکویی، ۱۳۷۹)، نوع فعالیت تولیدی، ابزار تولیدی، میزان درآمد با قدرت سرمایه‌گذاری در بخش مسکن (زرگر، ۱۳۸۸)، نوع معیشت مانند کشاورزی، باغداری و... اشاره کرد. از عوامل دیگر می‌توان عوامل اجتماعی که به دو بخش کمی و کیفی تقسیم می‌شوند نام برد. شاخصه‌های کمی مانند بعدخانوار، تسهیلات خدمات و... در بخش کیفی مانند نوع و زمان ارتباط با اعضای خانواده، شیوه ملاقات با دیگران، چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن در شکل‌گیری مسکن مؤثر بوده‌اند (Rapaport, 1969). از دیگر عوامل اجتماعی مؤثر مانند قومیت، نحوه سکونت پیشینیان، ساختار خانواده،

مهاجرت، روابط خویشاوندی، قشربندی اجتماعی، افزایش جمعیت روستا (احمدیان وهمکاران، ۱۳۸۸)، گسترش ارتباطات و دسترسی آسان به اطلاعات (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۹)، تسری قانون ارث (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۹)، جدای گزینی از خانواده و خانه پدری (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۱)، ساختار و نوع خانواده‌های روستایی (اخوت، ۱۳۷۶). از دیگر عوامل مؤثر، عوامل سیاسی می‌باشند که عبارتند از: سیاست‌های کلان دولت، تسهیلات بانکی، تخصیص اعتبارات، دستگاه‌های اجرایی (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۹۰)، خرید و مرمت واحدهای مسکونی (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۷). از عوامل فرهنگی نیز می‌توان آداب و رسوم، اعتقادات، ارزش‌ها (زرگر، ۱۳۸۸)، ورود فضای مجازی اینترنتی و دیستوپیا (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ۶۱-۴۷)، تحولات اکولوژیکی، افزایش جمعیت، اختراعات و اکتشافات، جنگ‌ها، تماس فرهنگ‌ها (امان‌اللهی، ۱۳۶۲) نام برد.

از دیدگاه راپاپورت خانه یک کنش انسانی است و در سخت‌ترین شرایط و در میان شدیدترین تنگناها نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌سازد (راپاپورت، ۱۳۸۸). از سویی دیگر در جوامع سنتی روستایی خانه سازوکار کنترل اجتماعی است که می‌تواند به عنوان مکانیسمی فیزیکی منعکس کننده جهان بینی و اخلاق یک قوم تلقی گردد و از این نظر قابل مقایسه با نهادهای اجتماعی و مکانیسم‌های که همان نقش را ایفا می‌کنند، است (راپاپورت، ۱۳۸۸). و از نظر راپاپورت مسکن برای تداوم بخشیدن و جاودانگی شیوه‌های زندگی و بخشی از کل نظام اجتماعی و نظام فضایی و وسیله‌ای برای انتقال و پاسداشت‌های آداب و رسوم اخلاق قومی است (خاکپور، ۱۳۹۱).

از دیدگاه درنو مسکن روستایی از تحول مصون نیستند، ولی از آنجا که بروز هر نوع تغییری در مسکن مستلزم سرمایه‌گذاری است و نیز شیوه آرایش خانه‌ها ریشه در عادت و فرهنگ جامعه بهره‌بردار دارد، دگرگونی در آن به تائی صورت می‌گیرد و همین امر سبب می‌شود تا بروز تغییر در مسکن روستایی، در مقایسه با تحولات اقتصادی جامعه سکونتگاهی با وقفه و درنگ مواجه شود (اسلامی وهمکاران، ۱۳۹۸).

چوگر بیان می‌دارد «تغییرات فرهنگی به خصوص تغییر در ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی غربی بر الگوی مسکن و طرح‌های مسکونی اثرات متعددی بر جای نهاده است (Turgut.2001).



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی

با توجه به پرسش‌های تحقیق، روش تحقیق از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نظر نوع، کاربردی است. در تحقیق حاضر به منظور تحلیل عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در تحولات مسکن معیشت محور با استفاده از گویه‌های عینی و ذهنی، شاخص‌های مسکن معیشت محور و شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۱ و جدول ۲)

جدول ۱. شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر مسکن

ابعاد	گویه
عوامل اقتصادی	میزان درآمد خانوار- میزان پس انداز خانوار- میزان توانایی بازپرداخت وام ها- توانایی پس انداز کردن- سطح رضایت از میزان پس انداز کردن- رضایت از درآمد، تنوع منابع درآمدی، استمرار و ثبات نسبی درآمد، میزان تأمین درآمد از محصولات لبنی و دامی، میزان تأمین درآمد از محصولات زراعی، میزان درآمدهای جانبی (حقوق، بازنشستگی و...)، میزان درآمد با قدرت سرمایه گذاری در مسکن
	میزان بومی بودن شاغلین در تولید مسکن- رضایت از شغل، امید به آینده شغلی، توان نوآوری شغلی، بهره‌مندی مداوم از آموزشهای شغلی و فنی و حرفه‌ای، وجود انگیزه برای پیشرفت شغلی، امکان تغییر شغل در محیط روستا
	ارزش وسیله نقلیه- میزان دسترسی به اعتبارات (وام)- توان پرداخت کردن اعتبارات- افزایش قیمت محصولات محلی (مواد غذایی)- بیمه محصولات کشاورزی- میزان بهره‌وری مصالح مورد استفاده در تولید مسکن- میزان استفاده از فضاهای مسکونی جهت معیشت
	میزان استطاعت تأمین هزینه‌های مصرف مسکن مثل اجاره و...- میزان استطاعت هزینه‌های مثل پول آب، برق، و...- میزان استطاعت تأمین هزینه‌های ساخت مسکن- میزان استطاعت تأمین هزینه‌های تعمیرات اساسی مسکن مثل نوسازی، بازسازی و...- میزان استفاده از وام‌های بانکی جهت ساخت یا تعمیرات اساسی- میزان استفاده از سایر منابع کمکی جهت ساخت یا تعمیرات اساسی
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	تعداد اعضای خانوار- تحصیلات- تعداد دام- نوع وسیله نقلیه- مقدار اراضی کشاورزی- درآمد- نوع شغل

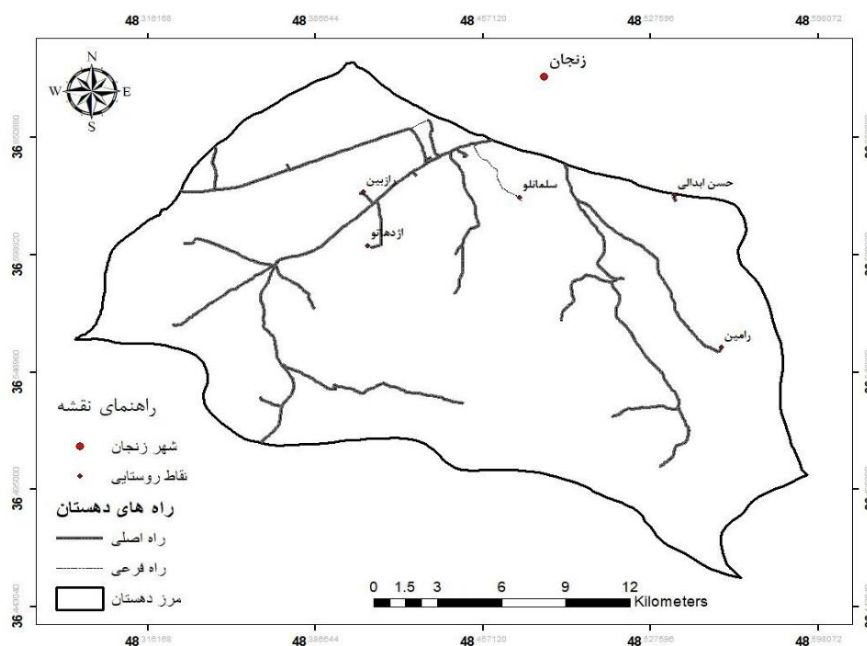
جدول ۲. شاخص‌های مسکن معیشت محور

ابعاد	شاخص
مسکن معیشت محور	نگهداری دام، نگهداری طیور، انبار علوفه و مواد غذایی، کارگاه صنعتی و دستی (رشته‌بری و...)، تولید برخی میوه‌ها و سبزیجات
	تهیه مواد لبنی آماده‌سازی مواد غذایی، تبدیل برخی مواد خوراکی (خشک کردن، شور کردن، کمپوت کردن و...)، پخت غذا برای کارگران (نیروی کار مزرعه خانوادگی)، ساخت یا تعمیر ابزارآلات برای فعالیت‌های تولیدی
	ایجاد آرامش و آسایش، راحتی و فضای کافی برای زندگی، امنیت ساکنین در برابر مخاطرات طبیعی، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت ساکنین، فراهم آوردن شرایط مطلوب برای خانواده
	ثبات و همبستگی خانواده، حفظ عزت‌نفس و شکوفایی استعدادها، رشد و تقویت روابط بین اعضای خانواده و خویشاوندان، رشد و تقویت روابط بین همسایگان، برگزاری مراسم‌های اجتماعی، پاسخگویی به نیازهای فرامادی، دربردارنده ویژگی‌های اعتقادی

در تحقیق حاضر، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مشاهده) است، پرسشنامه اساساً از سؤالات بسته و با پاسخ‌هایی در طیف لیکرت پنج مقیاس تشکیل شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های

حاصل از پرسش‌نامه از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آماره T تک نمونه‌ای، آزمون ضریب همبستگی، آزمون کروسکال والیس، مدل AMOS) استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل خانوارهای دهستان معجزات استان زنجان است. این دهستان طبق سرشماری ۱۳۹۵ دارای ۲۴ روستای دارای سکنه و یک روستا خالی از سکنه است. با توجه به گستردگی منطقه مورد مطالعه و به منظور مطالعه دقیق و براساس سطح بندی جمعیتی ۵ روستا از ۲۵ روستای دهستان معجزات با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی ساده (قرعه‌کشی) به عنوان نمونه انتخاب شدند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه ۲۷۳ نمونه در ۵ روستا به دست آمد. نمونه‌گیری در سطح روستاها جهت انتخاب خانوارها به صورت تصادفی ساده است. همچنین برای سنجش پایایی شاخص‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقادیر آن ۰,۷۰ درصد به دست آمده است.

دهستان معجزات با وسعت ۳۸۲ کیلومتر مربع در قسمت جنوب شهرستان زنجان، بین $48^{\circ} 35' 35''$ تا $48^{\circ} 16' 6''$ طول شرقی و $36^{\circ} 27' 20''$ تا $36^{\circ} 41' 3''$ عرض شمالی قرار دارد که از شمال به دهستان‌های بناب و شهر زنجان، از شرق به دهستان گوزلدیره، از جنوب به ایجرود بالا و از غرب به بوغداکندی محدود می‌شود. این دهستان دارای ۲۴ پارچه آبادی است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۶۹) که از بین آن‌ها ۵ روستا به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی دهستان معجزات و روستاهای مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی به دست آمده از بررسی وضعیت جنسی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد، که از مجموع ۲۷۳ نفر افراد پاسخ‌دهنده ۲۴۶ نفر (۹۰,۱) درصد پاسخگویان مرد و ۲۳ نفر (۸,۴) درصد پاسخگویان زن بوده‌اند. بررسی وضعیت تأهل پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد، ۷۰,۷ درصد پاسخگویان متأهل و ۲۹,۳ درصد آن‌ها مجرد می‌باشند. یافته‌های توصیفی به دست آمده از بررسی وضعیت تحصیلات پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد، ۴۴,۳ درصد از پاسخگویان بیسواد، ۲۰,۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۱,۲ درصد راهنمایی، ۱۳,۶ درصد دیپلم و تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.

بررسی شغل اصلی افراد روستایی نشان می‌دهد، ۳۹٫۲ درصد افراد در مشاغل آزاد، ۳۵٫۵ درصد در کشاورزی، ۷٫۳ درصد در دامداری، ۷٫۰ درصد باغدار، ۷٫۰ درصد بیکار، ۴٫۰ درصد کارمند بوده‌اند. از جمله دلایل بالا بودن فراوانی مشاغل آزاد، نزدیک بودن روستاهای مورد مطالعه به شهر زنجان است. یافته‌های توصیفی به دست آمده از مترآژ مسکن پاسخ دهندگان نشان می‌دهد، ۵۵٫۳ درصد پاسخگویان دارای ۱۰۰-۲۰۰ متر مسکن و ۰٫۷ درصد دارای ۴۰۰ متر مسکن به بالا می‌باشند.

نتایج به دست آمده از بررسی بعد معیشتی-تولیدی در مسکن معیشت محور مناطق روستایی نشان می‌دهد، که بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به شاخص‌های انبار علوفه و مواد غذایی با میانگین ۲٫۱۷ و نگهداری دام با میانگین ۱٫۶۷ است. نتایج به دست آمده از بررسی بعد تدارکاتی در مسکن معیشت محور مناطق روستایی نشان می‌دهد، که بالاترین میانگین به ترتیب مربوط به شاخص‌های پخت غذا برای کارگران (نیروی کارمزرعه خانوادگی) با میانگین ۲٫۰۵ و تهیه مواد لبنی آماده سازی مواد غذایی با میانگین ۱٫۷۵ است. نتایج توصیفی به دست آمده از بررسی بعد زیستی در مسکن معیشت محور روستایی نشان می‌دهد، مناطق روستایی مورد مطالعه در شرایط مطلوب زیستی قرار نگرفته و مسکن پاسخ دهندگان در برابر آسیب‌های طبیعی و انسانی مقاوم نیست. در این بعد بیشترین میانگین برای مؤلفه راحتی و فضای کافی برای زندگی با میانگین ۲٫۹۴ است. در بعد اجتماعی و فرهنگی بیشترین میانگین برای گویه دربردارنده ویژگی‌های اعتقادی با میانگین ۳٫۸۵ است. و همچنین نتایج به دست آمده از بررسی بعد درآمد در عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر در تحولات مسکن نشان می‌دهد، که بیشترین میانگین برای گویه میزان بومی بودن شاغلین در تولید مسکن با میانگین ۲٫۵۶ و کمترین میانگین برای گویه میزان درآمد با قدرت سرمایه گذاری در مسکن با میانگین ۱٫۱۳ است. نتایج به دست آمده از بررسی بعد اشتغال نشان می‌دهد، بیشترین میانگین برای گویه ارزش وسیله نقلیه با میانگین ۳٫۰۰ و کمترین میانگین برای گویه بهره‌مندی مداوم از آموزش‌های شغلی و فنی و حرفه‌ای با میانگین ۱٫۱۶ است. نتایج توصیفی به دست آمده از بررسی بعد دارایی نشان می‌دهد، بیشترین میانگین برای گویه افزایش قیمت محصولات محلی با میانگین ۳٫۴۵ و کمترین میانگین برای گویه بیمه محصولات کشاورزی با میانگین ۱٫۰۶ است. و بررسی‌های مربوط به بعد هزینه مسکن نشان می‌دهد، بیشترین میانگین برای گویه میزان استطاعت تأمین هزینه‌های تعمیرات اساسی مسکن مثل نوسازی و بازسازی با میانگین ۲٫۰۰ است و کمترین میانگین برای گویه میزان استفاده از وام‌های بانکی جهت ساخت یا تعمیرات اساسی با میانگین ۱٫۵۵ است.

تحلیل میانگین عددی حاصل از سطح ویژگی‌های مسکن معیشت محور روستایی در ابعاد معیشتی-تولیدی، تدارکات زیستی، اجتماعی- فرهنگی به ترتیب مبین پایین بودن سطح الگوی مسکن به صورت معیشت محور است. براساس آزمون t تک نمونه‌ای و با احتساب دامنه طیفی موجود که بین ۱ تا ۵ و براساس طیف لیکرت در نوسان است این میزان برای تمامی بعد کمتر از شرایط متوسط (۳) ارزیابی شده است. این تفاوت در سطح آلفا ۰٫۰۱ معنادار است و تفاوت آنها از مطلوبیت عددی نیز به شکل منفی ارزیابی و برآورد شده است (جدول ۳). و تحلیل میانگین عددی حاصل از بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در تحولات مسکن روستاهای مورد مطالعه، براساس آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد وضعیت شاخص‌های اقتصادی در حد مطلوبی قرار ندارند. تفاوت آنها از مطلوبیت عددی نیز به

شکل منفی ارزیابی و برآورد شده است. بنابراین چهار بعد درآمد، اشتغال، دارایی، هزینه مسکن در شرایط نامطلوب قرار دارند.

جدول ۳. تحلیل مطلوبیت ویژگی‌های مسکن معیشت محور

مطلوبیت عددی مورد آزمون ۳						
مؤلفه ها	میانگین	آماره آزمون	معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					حد پایین	حد بالا
معیشتی-تولیدی	۱.۶۱	-۳۳.۱۰	۰.۰۰۰	-۱.۳۸۴	-۱.۳۰۲	-۱.۴۶۷
تدارکات	۱.۶۱	-۳۵.۴۰	۰.۰۰۰	-۱.۳۸۹	-۱.۳۱۱	-۱.۴۶۶
زیستی	۲.۲۱	-۳۳.۳۷	۰.۰۰۰	-۰.۷۸۷	-۰.۷۴۱	-۰.۸۳۴
اجتماعی-فرهنگی	۲.۷۹	-۱۳.۲۲	۰.۰۰۰	-۰.۲۰۷	-۰.۱۷۶	-۰.۲۳۸

جدول ۴. تحلیل مطلوبیت عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر در تحولات مسکن روستایی

مطلوبیت عددی مورد آزمون ۳						
مؤلفه ها	میانگین	آماره آزمون	معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					حد پایین	حد بالا
درآمد	۱.۹۵	-۳۰.۹۰	۰.۰۰۰	-۱.۰۴۶	۰.۹۸۰	-۱.۱۱۳
اشتغال	۱.۸۸	-۴۱.۲۳	۰.۰۰۰	-۱.۱۱۶	-۱.۰۶۲	-۱.۱۶۹
دارایی	۱.۹۶	-۵۹.۵۳	۰.۰۰۰	-۱.۰۳۹	-۱.۰۰۴	-۱.۰۷۳
هزینه مسکن	۱.۷۰	-۴۴.۰۸	۰.۰۰۰	-۱.۲۹۱	-۱.۲۳۴	-۱.۳۴۹

در ادامه تحقیق و با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به تحلیل رابطه عوامل اجتماعی- اقتصادی و مسکن معیشت محور پرداخته شده است. بر همین مبنا نتایج این آزمون نشان می‌دهد، بین شاخص‌های درآمد، نوع شغل، مقدار اراضی کشاورزی، تعداد دام و تحصیلات با مسکن معیشت محور خانوارهای روستایی رابطه معناداری وجود دارد. به این معنی که با افزایش بهبود شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی تمایل به ساخت مسکن معیشت محور افزایش می‌یابد.

جدول ۵. رابطه مسکن معیشت محور با پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانوارهای روستایی

شاخص	ضریب همبستگی	معناداری
تعداد اعضای خانوار	۰/۱۵۷	۰,۰۹۷
تحصیلات	۰/۳۸۱	۰,۰۰۰
تعداد دام	۰/۴۹۱	۰,۰۰۰
نوع وسیله نقلیه	۰/۱۱۶	۰,۱۵۱
مقدار اراضی کشاورزی	۰/۳۹۱	۰,۰۰۰
درآمد	۰/۶۴۸	۰,۰۰۰
نوع شغل	۰/۵۱۴	۰,۰۰۰

برای بررسی تفاوت معناداری مسکن معیشت محور در روستاهای مورد مطالعه از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است، بر همین مبنا نتایج این آزمون نشان می دهد، بالاترین میانگین رتبه ای مربوط به روستاهای حسن ابدال و رامین و کم ترین میانگین رتبه ای مربوط به روستاهای اژدهاتو و سلمانلو است، همچنین براساس مقدار آماره آزمون بین میانگین مسکن معیشت محور در روستاهای مورد مطالعه در سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه معنادار وجود دارد (جدول ۶).

جدول ۶. تحلیل تفاوت معناداری مسکن معیشت محور

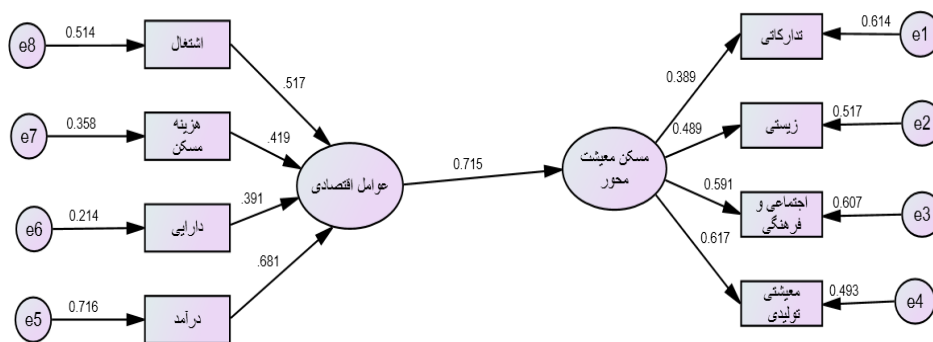
نام روستا	تعداد نمونه	میانگین رتبه ای
سلمانلو	۸	۱۱۸,۹۴
پاپایی	۴۷	۱۵۸,۶۲
حسنابدالی	۳۰	۲۰۱,۲۳
اژدهاتو	۱۲۳	۹۳,۲۴
رامین	۶۵	۱۷۶,۷۶
Chi-Square		۷۸,۱۱۵
معناداری		۰,۰۰۰

در ادامه تحقیق جهت بررسی و شناخت اثرات عوامل اقتصادی در مسکن معیشت محور از نرم افزار AMOS استفاده شده است. بر همین مبنا ابتدا به برازش مدل و براساس آماره های آزمون معادلات ساختاری پرداخته شده است، نتایج برازش مدل نشان دهنده مناسب بودن آماره ها جهت انجام آزمون است (جدول ۷).

جدول ۷. برازش مدل براساس آماره های آزمون معادلات ساختاری

Goodness-of-fit measure	Recommended value	Structural model (result)
χ^2 test statistic/df	$3.000 \geq$	۱.۵۸
GFI	$0.900 \leq$	۰/۹۵۶
AGFI	$0.900 \leq$	۰/۹۴۸
CFI	$0.900 \leq$	۰/۹۵۹
NFI	$0.900 \leq$	۰/۹۸۳
RMSEA	$0.080 \geq$	۰/۰۰۱
SRMR	$0.050 >$	۰/۰۰۰
TLI	$0.900 \leq$	۰/۹۸۷

براساس شکل و مدل مفهومی، مؤلفه های عوامل اجتماعی - اقتصادی به عنوان متغیر مستقل و مسکن معیشت محور به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است (شکل ۳).



شکل ۳. مدل مفهومی تحلیل اثرات عوامل اجتماعی - اقتصادی بر مسکن معیشت محور

بررسی و برآورد مقادیر رگرسیون و معناداری ابعاد و شاخص‌های عوامل اقتصادی بر روی مسکن معیشت محور نشان می‌دهد، بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و مسکن معیشت محور با مقدار رگرسیون ۰/۷۱۵ رابطه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد مؤلفه اشتغال دارای بیشترین تأثیر گذاری در بعد زیستی مسکن معیشت محور، مؤلفه هزینه مسکن دارای بیشترین تأثیر گذاری در بعد معیشتی - تولیدی مسکن معیشت محور، مؤلفه دارایی دارای بیشترین تأثیر در بعد اجتماعی - فرهنگی و در مؤلفه درآمد دارای بیشترین تأثیر گذاری با بعد معیشتی - تولیدی می‌باشد. در بین ابعاد عوامل اجتماعی - اقتصادی بعد درآمد با مقدار رگرسیون ۰/۸۵۲ دارای بیشترین اثر گذاری بر مسکن معیشت محور است (جدول ۸).

جدول ۸. برآورد مقادیر رگرسیون و معناداری ابعاد و شاخص‌های تحقیق بر روی مسکن معیشت محور

P	C.R.	S.E.	Estimate	متغیر مستقل	جهت	متغیر وابسته
***	.۶۲۳	.۲۷۰	.۷۱۵	عوامل اقتصادی	<---	مسکن معیشت محور
***	.۳۴۶	.۵۷۸	.۵۱۴	اشتغال	<---	مسکن معیشت محور
***	.۱۵۹	.۲۶۶	.۵۷۵	اشتغال	<---	تدارکاتی
***	.۱۷۹	.۴۱۱	.۶۷۴	اشتغال	<---	زیستی
***	.۱۸۱	.۲۸۷	.۲۴۷	اشتغال	<---	اجتماعی - فرهنگی
***	.۸۱۴	.۲۷۴	.۵۴۷	اشتغال	<---	معیشتی - تولیدی
***	.۸۰۵	.۲۴۵	.۴۰۶	هزینه مسکن	<---	مسکن معیشت محور
***	.۱۳۸	.۲۳۰	.۴۱۸	هزینه مسکن	<---	تدارکاتی
***	.۳۱۷	.۵۱۰	.۴۰۴	هزینه مسکن	<---	زیستی
***	.۳۱۵	.۳۶۶	.۴۵۷	هزینه مسکن	<---	اجتماعی - فرهنگی
***	.۱۱۲	.۲۵۲	.۵۴۷	هزینه مسکن	<---	معیشتی - تولیدی
***	.۲۱۷	.۲۸۱	.۳۳۷	دارایی	<---	مسکن معیشت محور
***	.۰۲۹	.۱۰۷	.۴۴۲	دارایی	<---	تدارکاتی
***	.۰۸۸	.۰۹۹	.۳۷۴	دارایی	<---	زیستی
***	.۳۵۸	.۱۰۹	.۵۶۱	دارایی	<---	اجتماعی - فرهنگی
***	.۲۴۷	.۲۱۷	.۴۷۱	دارایی	<---	معیشتی - تولیدی
***	.۹۱۰	.۰۴۳	.۸۵۲	درآمد	<---	مسکن معیشت محور
***	.۴۷۳	.۱۹۴	.۵۸۰	درآمد	<---	تدارکاتی
***	.۱۷۳	.۱۸۸	.۵۹۶	درآمد	<---	زیستی
***	.۰۱۴	.۱۸۶	.۷۴۵	درآمد	<---	اجتماعی - فرهنگی
***	.۹۹۱	.۱۹۷	.۷۸۵	درآمد	<---	معیشتی - تولیدی

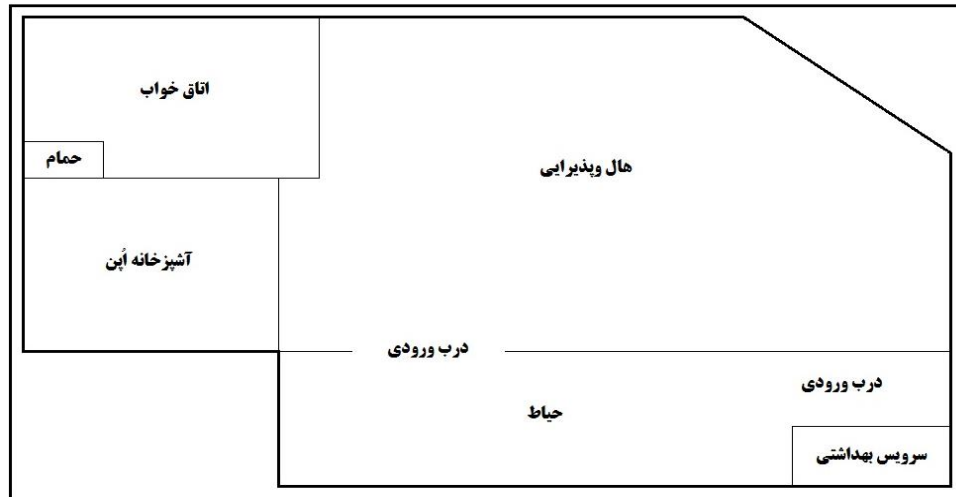
الگوی مسکن معیشت محور در روستاهای مورد مطالعه شامل اجزاء و عناصر تشکیل دهنده واحد مسکونی و چگونگی قرار گرفتن آنها نسبت به یکدیگر در یک فرم تداوم دار برنامه و بر مبنای نیازهای خانوارهای روستایی است. بر اساس شواهد و مطالعات صورت گرفته در مورد مسکن و معماری روستایی واحدهای مسکونی سنتی روستایی ضمن برخوردار از ارزش های معماری همانند سادگی و پیرایگی الگوهای بصری و زیبایی شناختی و انطباق با محیط طبیعی هماهنگی با عملکرد زیستی و معیشتی استفاده از مصالح محلی و دانش بومی و ... که به آن هویت خاصی می دهد. مسکن معیشت محور در روستاهای مورد مطالعه به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموع های همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می دهد که تجلی کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت، از نفس سکونت و شیوه زیست در روستا نشأت می گیرد. به همین دلیل مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می گیرد و به گونه ای متقابل به آن پیوند می خورد. گونه های موجود مسکن روستایی مصادیق بارز این ویژگی محسوب می شوند. زندگی روستایی و نوع نگرش روستائیان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید؛ و شیوه های بهره وری باعث می شود تا اجزاء محیط به مطلوب ترین و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه ای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارائی شکل گیرد. سازمان فضائی کالبدی آن به شمار می رود، متأثر از این نحوه کارکرد شکل می گیرد. در حالی که در فضاهای مسکونی شهری هر عنصر فضایی کارکردی معین را بصورت ویژه و منحصر به فرد، به خود اختصاص می دهد، در فضای مسکن معیشت محور بیشتر عناصر فضایی علاوه بر کارکردی خاص، کارکردهای مکمل با دیگر عناصر را نیز عهده دار می باشند؛ بطوری که گاهی هویت و بقای آنها در ارتباط با کارکرد کلی مجموعه معنا پیدا می نماید. این مسئله تا بد آنجا پیش می رود که برخی معماری روستایی را یک معماری عملکردگرا می نامند. وضوح و اهمیت نقش مسکن در روستاها، هنگامی نمود عینی تری می یابد که به نقش غالب آن در مجموعه عناصر تشکیل دهنده بافت های روستایی توجه شود (شکل ۴).

انبار ادوات کشاورزی	انبار علوفه و محصولات کشاورزی	محل نگهداری دام	محل نگهداری دام
حیاط			درب ورودی

آشپزخانه	اتاق قالی بافی	اتاق فراوری محصولات کشاورزی	
انبار	هال و پذیرایی	ورودی	ایوان
سرویس بهداشتی			
اتاق فراوری محصولات لبنی	اتاق خواب	اتاق پذیرایی از مهمان	

شکل ۴. پلان یک خانه با الگوی سنتی (به ترتیب طبقه اول و دوم)

با اجرای طرح هادی در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ کارکردهای تازه ای ایجاد شده است و برخی از اراضی کشاورزی به زیستی تغییر کاربری یافته‌اند. اعطای تسهیلات بانکی برای ساخت و ساز مسکن جدید بدون کار کارشناسی مرتبط با وجوه تاریخی روستا نیز به نظر می‌رسد بی تأثیر نبوده است. بافت اولیه روستا در ابتدا به دلیل دسترسی آسان اهالی به منابع آبی و زمین‌های زراعی جهت بهره‌برداری معیشتی در مجاورت و هم مرز زمین‌های کشاورزی شکل گرفته است. به مرور زمان به دلایلی چون فرسودگی ابنیه کهن، اعمال کنترل‌های سازمان‌های مختلف بر ساخت و ساز و اجرای طرح هادی و توسعه‌های ناشی از آن، بافت تاریخی و فشرده روستا به صورت بافتی پراکنده در حاشیه جاده ارتباطی روستا به شهر شکل می‌گیرد. شهری شدن به مثابه نوعی ارزش بر روستا حاکم شده است و الگو برداری از خانه‌های شهری به دلیل نفوذ و گسترش فرهنگ شهری مرسوم می‌شود. استفاده از مصالح وارداتی شهری سبب تغییرات کالبدی خانه‌های روستایی شده‌اند و مجموع این عوامل باعث پاره‌ای تغییرات در ساختار مسکن معیشت محور شده است. امروزه مسکن جدید نوعی از تقلیل عملکردی به سطح حداقل ممکن در روستا یعنی صرف سکونت را به خود می‌بیند. حذف فضاهایی چون هیزمدان، محل نگهداری حیوانات، انبارها و کارگاه‌ها از این نوعند. در عوض مسکن جدید متناسب با نیازهای جدید تغییراتی را پذیرفته است. پارکینگ اتومبیل، مهتابی و زیرزمین از این قبیل تغییرات هستند. کاهش میزان استفاده از ریزه کاری‌ها و تزیینات همچون طاق نماها، گچ‌بری‌ها و حذف آرایه‌هایی نظیر طاقچه و رف، تقلیل ریزه‌کاری در خطوط نما و خط آسمان ابنیه از ابنیه سنتی - محلی به سبک ساختمان‌سازی جدید در روستا مشهود است. در مسکن سنتی به منظور حفظ حریمت فضای اندرونی منزل از تعبیه دالان ورودی، چرخش فضایی و یا استفاده از هشتی، استفاده شده است در حالی که در نمونه‌های جدید بدون حضور این لایه‌های فضایی؛ نوعی یک مرتبگی در اتصال معبر به فضای خصوصی منزل دیده می‌شود (شکل ۵).



شکل ۵. پلان یک خانه با الگوی مدرن

در معماری سنتی روستاییان با بهره‌برداری هوشمندانه از مصالح و منابع طبیعی در دسترس متناسب با شرایط شغلی و معیشتی در راستای برآوردن نیازمندی‌های سکونتی و کارکردی خود اقدام به ساخت و بنای مسکن نموده‌اند. طی دهه‌های اخیر با ورود مدرنیزاسیون و همگام با اجرای طرح‌های نوسازی، تحول‌خواهی روستاییان و تلاش برای توسعه و بهزیست نمودن محیط زندگی، روستاها از فضای سنتی و کالبد قدیمی خود خارج و به سرعت پذیرای دگرگونی‌ها شدند. از این رو می‌بایست فضای روستاها به ویژه کالبد، بدنه و شکل مسکن و منازل روستاییان به منظور هماهنگ شدن با وضعیت اقتصادی - اجتماعی پیش آمده در تبعیت از گسترش استفاده از تکنولوژی‌های نوین به منظور جواب گویی به نیاز ساکنان این سکونتگاه‌ها و همچنین فراهم نمودن زمینه‌های رشد و توسعه تغییر یابند. متأسفانه گاهی این تحولات و دگرگونی‌های کالبدی در روستاها همخوانی چندانی با فرهنگ و نوع اقتصاد حاکم بر این کانون‌های سکونتگاهی ندارد و این تحولات ضمن ایجاد ناسازگاری‌های اقتصادی - اجتماعی در روستاها موجب تغییر در کارکرد این فضاهای زیستی شده است. زیرا زندگی، شغل، اقتصاد، فرهنگ، رفتار و نوع معیشت حاکم بر روستاها به ویژه در کشورهای جهان سوم که دارای ساختار سنتی و قدیمی هستند، هماهنگی و تجانس فراوانی با یکدیگر دارند. حال با تغییر و به هم ریختن نظم فضایی موجود در روستاها که حاصل شکل‌گیری در طی قرن‌ها است، دیگر ارکان روستا از جمله: کارکردهای اقتصادی - معیشتی و فرهنگی آن نیز متحول و دچار ناهماهنگی می‌شوند. به گونه‌ای که در نظام زندگی روستایی اشتغال، شیوه معیشت و نوع سکونت تداخل گسترده‌ای با هم دارند. اصولاً زندگی روستایی برخلاف زندگی شهری براساس تفکیک زمانی فعالیت‌ها سازمان نیافته است و سکونت و کار زمان‌های متداخلی دارند. به همین دلیل فضاهای سکونت و کار نیز تداخل دارند و محیط مسکن محل نگهداری محصولات و وسایل و ادوات تولید نیز است و بخشی از کار در منزل انجام می‌شود. در حال حاضر ناپایداری سبک زندگی روستایی باعث گذار مسکن روستایی شده است. در این راستا یکی از چالش‌های سکونتگاه‌های روستایی دستیابی به مسکن است. در این ارتباط استطاعت خانوار یکی از شاخص‌های اصلی تعیین‌کننده تغییر مسکن روستایی به شمار می‌رود.

یکی از مهم‌ترین سازوکارها در تغییر الگوی مسکن سنتی، گسترش شهرگرایی است. محدوده‌های مورد بررسی با توجه به اینکه در محدوده شهر واقع شده‌اند، تأثیرپذیری فراوانی از این شهر داشته است. از دیدگاه جانستون شهرگرایی به معنای یک فرآیند رفتاری است. به صورتی که شهرها مراکز انتشار تغییرات و تحولات اجتماعی معرفی شده‌اند. از دیدگاه پاسیون، شهرگرایی روستایی از جنبه اجتماعی - سکونتی مطرح است که شیوه زندگی شهری در نواحی روستایی گسترش می‌یابد. در نتیجه تداوم نفوذ اقتصاد شهری، مظاهر اجتماعی زندگی شهری نیز به مناطق روستایی راه می‌یابد و نوعی دوگانگی با ابعاد سنتی اجتماعی - اقتصادی در مناطق روستایی با طرح شهری ساخته می‌شوند. شهرگرایی تأثیرات کالبدی بی شماری مانند بکارگیری نماهای شهری، استفاده از مصالح شهری، استفاده از طرح‌های شهری، رواج فضاهای جدید شهری و تغییر کارکردهای مسکن دارند. در این روستاها با توجه به فاصله کم تا شهر تحولاتی متفاوتی در نتیجه شهرگرایی قابل مشاهده است. همچنین در حاضر استفاده از مصالح شهری در این نواحی به علت منسوخ شدن مصالح بومی و سنتی افزایش یافته است. به صورتی که روستاییان تأکید به جایگزینی این مصالح با مصالح بومی و سنتی کرده‌اند. یکی از متغیرهای تأثیرات شهرگرایی استفاده از طرح‌های مسکن شهری در مسکن روستایی است. در این ارتباط؛ روستاییان اعتقاد داشتند که مسکن کنونی روستایی با طرح شهری ساخته می‌شوند. همچنین روستاییان نظر به ایجاد فضاهای جدید در مسکن روستایی داشته‌اند.

در مسکن سنتی فضاهای سنتی از قبیل: تنور، نور، اصطبل، انبارهای مختلف محصولات، فضاهای قالبیافی وجود دارد که بیانگر تنوع فعالیت سکونتگاه‌های روستایی است. ولی در مسکن جدید روستایی شکل‌گیری فضاهای جدید به تبع مسکن شهری، شکل نوینی به مسکن روستایی بخشیده است که آن‌ها را از مسکن سنتی با کارکردهای چندگانه متمایز می‌نماید. فضای نگهداری محصولات کشاورزی، خشک کردن محصولات در مسکن شکل گرفته بود که متناسب با کارکردهای روستایی و نوع فعالیت غالب این سکونتگاه‌ها بود. در این محدوده فعالیت‌های غالب است که در شکل‌گیری فضاهای مسکن نقش و تأثیر زیادی داشته است. براساس بررسی‌های میدانی صورت گرفته روستاییان اعتقاد داشته‌اند که مسکن سنتی در راستای کارکردهای روستا شکل گرفته بود و تحول مسکن رابطه معنی‌داری را با فاصله از شهر نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

مسکن روستایی برای ماندگاری و برآوردن احتیاجات ساکنان خود، تحت تأثیر عوامل مختلف دچار تغییر و تحول بوده‌اند. عواملی همچون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و... که در ساخت و ساز مسکن و تحول آن بی تأثیر نمی‌باشند، و موجب می‌شوند الگوی مسکن به صورت معیشت محور در مناطق روستایی در سطح پایین باشد. در تحقیق حاضر به تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که در بین ابعاد مسکن معیشت محور بالاترین میانگین مربوط به بعد اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۲,۷۹ و کم‌ترین میانگین مربوط به بعد معیشتی - تولیدی با میانگین ۱,۶۱ است. مسکن روستاهای مورد مطالعه به علت تبعیت از سبک و الگوی مسکن شهری و نزدیکی این روستاها به شهر زنجان با شدت بیش‌تری به سوی تغییر کارکرد داشته است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین ابعاد اجتماعی - اقتصادی بالاترین میانگین مربوط به بعد دارایی با

میانگین ۱,۹۶ و کم‌ترین میانگین مربوط به هزینه مسکن با میانگین ۱,۷۰ است. همچنین یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد ویژگی‌های مسکن معیشت محور روستایی در ابعاد معیشتی-تولیدی، تدارکات زیستی، اجتماعی-فرهنگی به ترتیب مبین پایین بودن سطح الگوی مسکن به صورت معیشت محور است، و نتایج بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در تحولات مسکن روستاهای مورد مطالعه نشان داد چهار بعد درآمد، اشتغال، دارایی، هزینه مسکن در شرایط نامطلوب قرار دارند. یافته‌های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد با افزایش بهبود شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی تمایل به ساخت مسکن معیشت محور نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نرم‌افزاری AMOS نشان داد بین عوامل اجتماعی-اقتصادی و مسکن معیشت محور رابطه وجود دارد، و مؤلفه اشتغال دارای بیش‌ترین تأثیرگذاری در بعد زیستی مسکن معیشت محور، مؤلفه هزینه مسکن دارای بیش‌ترین تأثیرگذاری در بعد معیشتی-تولیدی مسکن معیشت محور، مؤلفه دارایی بیش‌ترین تأثیر در بعد اجتماعی-فرهنگی و در مؤلفه درآمد دارای بیش‌ترین تأثیرگذاری با بعد معیشتی-تولیدی است، و در بین ابعاد عوامل اجتماعی-اقتصادی بعد درآمد دارای بیش‌ترین اثرگذاری بر مسکن معیشت محور است. و با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با روستاییان، آن‌ها معتقدند در گذشته به تبعیت از وضعیت اقتصادی و رده‌بندی اجتماعی ساکنان روستا، مساکن در ابعاد و اندازه‌های متفاوتی ساخته می‌شدند؛ اما اکنون با فروریختن رده‌بندی‌های اجتماعی در روستاها و گسترش ارتباطات روستاییان با دیگر نقاط سکونتگاهی در جامعه، هر روستایی بنا بر میل و خواست خود خانه‌اش را بدون در نظر گرفتن پایگاه اقتصادی در روستا بنا می‌کند و به گونه‌ای که اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه روستایی منازلی بهتر و بزرگ‌تر از اعیان و صاحبان املاک روستا برپا می‌کنند. چرا که هر کس آن‌طور که می‌خواهد و موجب رفاه و تعالی اوست زندگی و رفتار می‌کند. همچنین از نظر آنان انجام برخی فعالیت‌ها همچون تهیه مواد لبنی، نگهداری دام، نگهداری طیور، وجود انبار علوفه و مواد غذایی، پخت غذا برای کارگران، ساخت یا تعمیر ابزارآلات برای فعالیت‌های تولیدی که به عنوان شاخص‌هایی برای کارکرد مساکن روستایی به شمار می‌روند که تحت تأثیر وجود عامل سرمایه‌های مادی می‌باشند. چرا که در صورت عدم وجود دام‌های کوچک و بزرگ، اراضی و باغ به عنوان بخشی از سرمایه‌های مادی، وجود کارکردهای خاصی مثل وجود انبار علوفه، طویله و غیره در مسکن لزومی ندارد. همچنین آن‌ها دلیل تأثیر اعتبارات بر کارکردهای مسکن را رعایت برخی ضوابط و محدودیت‌های مربوط به اعتبارات می‌دانند که موجب تحولات و دگرگونی‌هایی در عملکرد فضاهای مسکن شده است. چرا که اعتبارات مسکن با قوانین و ضوابط مربوط به خود باعث شده که در روستاها مساکن روستایی شهری ساز (متناسب با زندگی شهری) ساخته شوند و در نتیجه بعضی از فضاها کارکرد جدیدی به خود گرفته و برخی از فضاها کارکرد خود را از دست داده و متروک شده‌اند به طوری که به مرور اسباب تخریب تمامی و یا بخشی از واحد مسکونی را فراهم آورده‌اند. در نتیجه آن‌ها معتقدند عدم توجه به ویژگی‌ها و کارکرد و ساختارهای موجود در مسکن، در آینده موجب تحولات منفی شدیدی خواهد شد.

منابع

- اسلامی، لایلا، محمدی یگانه، بهروز، چراغی، مهدی، ۱۳۹۸، تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی، مطالعه موردی دهستان معجزات شهرستان زنجان، مجله مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۶۶، تابستان ۹۸، ۳۷.
- احمدی، معصومه، ۱۳۸۹، ارزیابی کیفیت زندگی شهری با تأکید بر شاخص های اجتماعی مسکن، مطالعه موردی: شهرساری، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیامنور ساری.
- احمدیان، ر.، محمدی، ح.، ۱۳۸۸، بافت شناسی روستایی کشور معیارهای عام شکل گیری عناصر کالبدی روستایی تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ایزدی، ح.، شیخ ها، م.، ۱۳۸۷، بررسی نقش سیاست های حمایتی و تشویقی دولت در نوسازی بافت های فرسوده شهری - نمونه موردی بافت قدیم شهر شیراز، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، مشهد. شماره ۲۰ و ۲۱.
- اخوت، م. ر.، ۱۳۷۶، بافت های کالبدی قدیم مایه رویاپروری یا سرچشمه مصیبت، مقالات همایش تخصصی بافت های شهری.
- امان اللهی، ا.، ۱۳۶۲، نظام اجتماعی - سیاسی ایل بهاروند و تغییر و تحول آن، تهران، انتشارات آگاه.
- بدری، ع.، موسوی، س.، ۱۳۸۹، تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگی های مسکن روستایی در ایران، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان. ایران. ص ۱۴ - ۱.
- پاپلی یزدی، م. م.، ح.، ابراهیمی، م. ا.، ۱۳۹۰، نظریه های توسعه روستایی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- پورطاهری، م.، رکن الدین افتخاری، ع. ا.، فضلعلی، ز.، ۱۳۹۵. بررسی تغییرات مسکن روستایی استان مازندران. پژوهش های جغرافیایی انسانی. ۵ (۲). ۳۵۴-۳۳۹.
- پورمحمدی، محمدرضا. ۱۳۸۵. برنامه ریزی مسکن. انتشارات سمت.
- تولون، ب.، ۱۳۷۴، جغرافیای سکونت «سکونتگاه های روستایی»، ترجمه محمد مظاهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز، تبریز.
- حسینی، اکرم، جعفر زاده، تکنیم، رهبان فهیمه، ۱۳۹۴، ت دوین دستور زبان طراحی قلمروی فضایی مسکن به منظور بهبود تعامل اعضای خانواده، فصلنامه مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن، شماره ۱۵۴، ۵۸-۴۱.
- حسینی ابری، سید. حسن، ۱۳۸۲، مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- خاکپور، مژگان، ۱۳۹۱، تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی بر شکل گیری مسکن بومی روستایی گیلان (با تأکید بر نقش زنان)، رساله دکتری رشته پژوهش و هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷. لغت نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران. انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آ.، ۱۳۸۸، انسان شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند، چاپ اول، ایران، تهران.
- رضوانی، محمدرضا. ۱۳۸۲. تحلیل روند ایجاد گسترش خانه های دوم در نواحی روستایی شمال تهران، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۹، دانشگاه تهران.
- روح الامینی، محمود. ۱۳۷۰. زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات پیام نور.
- زیاری، کرامت الله، پرهیز، فریاد، مهد نژاد، حافظ، اشتري، حسن. ۱۳۸۹، ارزیابی مسکن گروه های درآمدی و ارائه برنامه تأمین مسکن اقشار کم درآمد، پژوهش های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۴.

- زرگر، ا، ۱۳۸۸، درآمدی بر شناخت معماری روستایی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
- زنجانی، ح، ۱۳۷۱، جمعیت و توسعه، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- سعیدی، عباس. ۱۳۹۱، پوشش ساختاری- کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال اول، شماره ۱، ۱۸-۱.
- سعیدی، عباس و فریبا امینی. ۱۳۸۹، ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی، فصلنامه جغرافیا، سال هشتم، شماره ۲۷، ۴۴-۲۹.
- سرتیپی پور، محسن. ۱۳۸۷، ارزیابی و تحلیل ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران، همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۸، آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۸، بررسی تحلیل مسکن روستایی در ایران، نشریه صفا، ۱۹(۴۹)، ۶۲-۴۷.
- سرتیپی پور، محسن. ۱۳۸۶، معماری مسکن در روستاهای ایران، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۹، تهران.
- سعیدی، عباس، ۱۳۸۵، نقش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی، مطالعه موردی: ناحیه کاشان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، ۷۱-۵۳.
- شکویی، ح، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت، تهران.
- شمس الدینی، علی، رستمی، روح الله. ۱۳۹۰. تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستاییان، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵.
- صفوی، ب.، ابوذر، ص. ۱۳۹۲. مولفه‌ها و شاخصه‌های موثر بر تحول و وضعیت مسکن از گذشته تا آینده از نظر اثرگذاری اقتصاد بر معماری بومی. همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار. ۳.
- صیدایی، ا.، قاسمیان، ز.، ۱۳۹۱، بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی، نمونه موردی: روستای گرجی محله شهرستان بهشهر استان مازندران، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره ۵، ۸۷-۱۰۶.
- طالب، مهدی، عنبری، موسی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- ظاهری، م.، حسینی شه‌پریان، ن. ا.، هاشمی، س.، ۱۳۹۶. بررسی تغییرات الگوی مسکن روستایی و ارزیابی اثرات اقتصادی آن، مطالعه موردی دهستان‌های آجی‌چای و میدان‌چای شهرستان تبریز، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۳، ۲۹.
- عنابستانی، علی اکبر، الهه انزایی و صدیقه بهزادی، ۱۳۹۵، اثرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستاییان مطالعه موردی: شهرستان نکا، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۲، ۴۲-۲۱.
- عبداللهی، سمیه، بوذرجمهری، خدیجه، سلطانی، ریحانه، ۱۳۹۴، بررسی تأثیر تسهیلات دولت در استحکام و معماری مسکن روستایی مطالعه موردی: دهستان سرجام، فصلنامه مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن، شماره ۱۴۹، ۶۷-۷۸.
- عینالی، جمشید، محمدی یگانه، بهروز، خالدی‌نیا، م. ط. ۱۳۹۴. اثرات بهسازی مسکن در تحولات کارکرد اقتصادی مسکن روستایی. مطالعه موردی: دهستان شمشیر در پاوه. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. سال چهارم. شماره ۱۴. ۱۹۱-۲۰۹.
- قره‌نژاد، حسن (۱۳۸۱) طبیعت و معماری، انتشارات گلکهای محمدی، چاپ اول، اصفهان.

- قاسمى سيانى، م.، افراخته، ح.، رياحى، و.، عزيزپور، ف. ۱۳۹۷. تبين تحولات ساختارى-كار كردى سكونت و مسكن روستايى. مطالعه موردى بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان. نشر يه علمى-پژوهشى برنامه ريزى توسعه كالبدى. سال سوم. شماره ۱۰. ۶۴-۴۷.
- قديرى معصوم، م.، رضوانى، م.، جمعه پور، م.، باغبانى، ح. ۱۳۹۴. سطح بندى سرمايه‌هاى معيشتى در روستاها گردشگرى كوهستانى مطالعه موردى دهستان بالا طالقان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستايى. ۴ (۲): ۱-۱۸.
- قنبرى، ي.، ۱۳۸۷، گردشگرى روستايى رويكردى جديد در مديريت روستايى كشور، پيك نور، سال هفتم، ۱۵۱-۱۴۲.
- مهديان، ع. ا. سرتيپى پور، م. ۱۳۹۲. مرورى بر تحولات بهسازى مسكن و چشم انداز آتى. مجله مسكن و محيط روستا. ۳۱ (۱۴۰). ۳-۱۲.
- مهدي نژاد، ج. ا.، شرقى، ع.، اسدپور، ف. ۱۳۹۷. اثرات عوامل اقتصادى در ساختار كالبدى مسكن روستايى پايدار. چهارمين همائش مى معماری و شهر پايدار. دانشگاه تربيت دبیر شهيد رجایی. تهران. ايران.
- مطيعى لنگرودى، سيدحسن، بخشى، زهرا، ۱۳۸۹، نقش اعتبارات بهسازى مسكن در توانمندى و ماندگارى جمعيت روستايى دهستان بيهق، شهرستان سبزوار، پژوهش‌هاى جغرافياى انساني، شماره ۷۲، ۴۶-۳۱.
- مركز آمار ايران. ۱۳۷۵. سرشماری عمومي نفوس و مسكن. تهران. مركز آمار ايران.
- مخبر، ع.، ۱۳۶۳، ابعاد اجتماعى مسكن، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- نيك پور، ع.، اسفرم، ي.، شاكركى منصور، ا. ۱۳۹۶. راهبردهاى اقتصادى بهبود شاخص‌هاى مسكن در نواحى روستايى شهرستان كهگيلويه. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستايى. ۶ (۲۲): ۸۱-۸۰.
- نظريان، اصغر. ۱۳۸۶، شهرنشینی در حال دگرگونی و جایگاه شهر های کوچک؛ تجربه ایران، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ۴، شماره ۱۴، ۵۵-۳۳.
- نيك خلق، ع. ا. ۱۳۸۲. جامعه شناسى روستايى. انتشارات چاپ پخش، چاپ اول. تهران..
- نبردى، اسدى، ۱۳۷۶، مسكن و نقش آن در توسعه روستايى در شهرستان شاهين دژ، پايان‌نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه فردوسى مشهد.
- وارثى، حميدرضا، سقايبى، محسن، ۱۳۸۴، مشكلات حاكم بر بخش مسكن در ايران، فصلنامه مسكن و محيط روستا، شماره ۱۱۲، ۶۰-۴۴.
- هدايت نژاد، م.، ۱۳۷۵، اجاره‌نشینی، عوارض روانی-اجتماعی و راه‌حل‌ها، مجموعه مقالات سومين سمینار سياست‌هاى توسعه مسكن در ايران، جلد ۲، انتشارات وزارت مسكن و شهرسازى، تهران.
- يارى، ا.، ۱۳۹۰، هويت روستايى كلانشهر تهران، به نشر، آستان قدس رضوى.
- Chambers, R. .2005. **Ideas for development. Earth Scan Publication, London, Sterling VA.**
- Carney, D. 1998. **Sustainable rural livelihoods: What contribution can we make?** Paper presented at the DFID Natural Resources Advisers' Conference, London, Published: London, Department for International Development.
- Chambers, R. & Conway, G. 1992. **Sustainable rural livelihoods: practical concepts for the 21st.**
- Domański, H. 2008. **Housing conditions, in:** J. Alber, T. Fahey and C. Saraceno, C. (Eds) Handbook of Quality of Life in the Enlarged European Union. London: Routledge, 235-53.
- Helmor, C. and Sing, N. 2001. **Sustainable livelihood: Building on the wealth of the poor.** Bloomfield: Kumarin Press.

- Hoggart ,K., Henderson ,S.2005. **Excluding exceptions: housing non–affordability and the oppression of environmental sustainability** , Journal of Rural Studies ,No: 21.
- Scoones, I. .1998. **Sustainable Rural Livelihoods: A. Framework for Analysis** IDSDiscussion Paper, No. 72.
- Ellis, F. 2000. **Rural Livelihood and Diversity in Developing Countries**, Oxford University Press, Oxford, UK.
- Gallent, Nick & Robinson, Steve.2011. **Local perspectives on rural housing affordability and implications for the localism agenda in England**, Journal of Rural Studies ,No: 27.
- Hashemnejad, E. and Maulanaayi, P.U.2008. **Architecture overlooking the sky- rural settlements- special structural feature in rural Zagros architecture of Kurdistan Region**. Fine Arts, 36: 17-26. (Persian).
- Haji Ebrahim Zargar, A. 1385/2006. **Analyzing rural architecture of Iran**. Tehran: Shahid Beheshti University Publications. [In Persian].
- Hosseini Abri, S. H. 1380/2001. **Study of Iran’s rural geography**. Esfahan: Esfahan University Publications. [In Persian].
- Iranmanesh, M.2010. **Views in culture and technology**. Islamic Azad University.(Persian).
- Johnston ,R, Gregory ,D., Smith ,D. 1993. **The dictionary of Human Geography**, Blackwell, UK
- Jin Su ,Jeong ,Lorenzo. García-Moruno ,Julio. Hern_andez-Blanco ,Alonso .S_anchez-Ríos, Alvaro. Ramírez-G_omez, **Identifying priority areas for rural housing development using the participatory multi-criteria and contingent valuation methods in Alange reservoir area**, Central Extremadura (Spain), Journal of Rural Studies .50. (2017) .117-128.
- K Napp I. .1982. **Housing Problems in Third World**, University of Stutgar.
- Liu, Z., and Liu, L. 2016. **Characteristics and driving factors of rural livelihood transition in the east coastal region of China: A case study of suburban Shanghai**. Journal of Rural Studies, 43: 145–158.
- Manoj P K. 2010. **Prospects and Problems of Housing Microfinance in India: Evidence from “Bhavanashree” Project in Kerala State: European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences- Issue 19, 178-194.**
- Rapaport, Amos.1969. **House Form and Culture, London**, Prentice-Hall, Inc.
- Nick. Gallent, Iqbal. Hamiduddin, Phoebe. Stirling, John. Kelsey.2019. **Prioritising local housing needs through land-use planning in rural areas: Political theatre or amenity protection?**, Journal of Rural Studies. 66. 11–20
- Pacions, Michael 1984. **Rural Geography** ,Harper & Rew, London ,Uk.
- Smith, D. R., Gordon, A., Meadows, K., & Zwick, K. 2013. **Livelihood diversification inUganda: Patterns and determinants of change across two rural districts**. Food Policy,26(4): 234- 435.
- Short,J,R,” **urban theory actitical assessment”**. New York rouledge, 2006.
- Tognoli, J. 1987. **Residential environments**. Handbook of Environmental Psychology. Plenum Pub. Corp. New York.
- Turgat, H. 2001. **Culture, continuity and change: Structural anahysis of the housing pattern in squatter settlement** , Global Environment Research (GBER)(1):17-25.
- Taylor, M.2008. **Living ,working countryside: The Taylor Review of Rural Economy & Affordable Housing**, Department for Communities and Local Government, London ,UK
- Walelign. S. Z, Pouliot. M, Larsen. H. O, and Smith-Hall. C, (2016). **Combining Household Income and Asset Data to Identify Livelihood Strategies and Their Dynamics**, Journal The Journal of Development Studies, 53(6): 769- 787.
- Westaway, M. S, **A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto’**, Journal of Habitat International, 2006, 30, 175-189.